

شوک درمانی پزشکيان در باره استراتژی جديد بقای نظام

سیاوش دانشور

صفحه ۲

در یک نگاه

در آروزی قاج و تخت دفن شده

رحمان حسین زاده

صفحه ۶

پروژه نخ نمای اصلاح طلب رژیم اسلامی را در جنبش معلمان باید افشا و منزوی کرد!

فاطمه عسگری

صفحه ۷

دگردیسی چپ محور مقاومتی از "نئوتوده‌ای" به "

مارکسیست قانونی

سمیرا دولتشاهی

صفحه ۸

سیرک محرم در سالی که پزشکيان

رئیس جمهوری میشود!

امیر عسگری

صفحه ۹

اخبار مبارزات کارگری و اعتراضات اجتماعی

تهیه و تنظیم: سپیده امیر عسگری و آرش کلهر

زنده باد شوراها!

ارگانهای اعمال اراده مستقیم توده ای و کارگری را همه جا ایجاد کنید!
در کارخانه ها و محلات شوراها را برپا کنید! امروز شورا ارگان مبارزه و
قیام و فردا ارگان حاکمیت!

صفحه ۳



حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست
Worker-communist Party of Iran
Hekmatist

۲۹ نیر ۱۴۰۲ - ۱۹ ژوئیه ۲۰۲۴

تراژدی و نسل کشی در غزه نمادی از بربریت جهان امروز

کشتار مردم بی دفاع فلسطین در غزه توسط ارتش جنایتکار و اشغالگر اسرائیل همچنان ادامه دارد. این بار دولت اسرائیل به بهانه کشف مخفی گاه محمد ضیف یکی از فرماندهان حماس دوباره بر سر مردم غزه در اردوگاهی در خان یونس بمب ریخت و بیش از ۹۰ نفر زن و کودک و ساکنین آن را قتل عام کرد و صدها نفر زخمی شدند. دولت اسرائیل ترور محمد ضیف و ریختن خون مردم بی دفاع فلسطین را جشن گرفتند.

بعد از ظهر روز شنبه گذشته در غزه، جنگنده ها ی اسرائیل با ریختن بمب بر سر مردم غزه در یکی از اردوگاههای خان یونس روز سیاه دیگری را برای مردم ستم دیده و آواره فلسطین رقم زد.

ارتش جنایتکار و اشغالگر اسرائیل این اردوگاه که مورد حمله ویرانگر خود قرار داده است، تنها پناهگاه امن برای ساکنین غزه، اعلام کرده بود. این منطقه که امن اعلام شده، بیش از یک میلیون مردم آواره در آن زندگی می کنند. مردمی که به ناچار شهر رفح را ترک کردن و به خان یونس پناه بردند، مردمی که همه چیزشان را از دست داده اند و هیچ پناهگاهی برای حفاظت از خود ندارند. دولت اسرائیل ادعا کرده که منطقه بمباران شده از قبل

آزادی، برابری، حکومت کارگری!



منتفی کرده است و نه توانسته بحران را حل کند. اگر قبلتر در دوره‌های ده ساله و کمتر با شورش‌های شهری و اعتراضات توده‌ای روبرو بودیم، در سالهای اخیر فاصله آنها به دو سال و یکسال رسیده و رشد کمی و کیفی اعتراض یک روند ثابت بوده است. تجربه زیسته جامعه ایران بر حقانیت و روشن‌بینی این حکم پایه‌ای کمونیسم کارگری دلالت میکند که سرمایه‌داری ایران با جمهوری اسلامی راهی برای حل بحران ندارد. این اساس موضوع و دلیل ریشه‌ای بحران رژیم اسلامی است. وقتی لذا بحران و تشدید بحران در صور مختلف محوری است. وقتی بحرانها در شکلی ترکیبی همزیستی دارند، لاجرم بروز حلقه‌های بعدی بحران شدیدتر، مخرب‌تر، خردکننده‌تر و خطرناک‌تر برای رژیم قد علم میکنند. لذا برخورد با بحران برای رژیم نیز به طرق سابق بی اثرتر و کارکرد آن ضعیف‌تر است.

بحران اقتصادی

این قاعده در هر موردی در اقتصاد و سیاست و فرهنگ صادق است. اقتصاد هر روز درهم ریخته‌تر، فاسدتر، بی‌آینده‌تر میشود. نه فقط استثمار بسیار وحشیانه‌تر و فقر و فلاکت و شکاف طبقاتی به اوج رسیده است بلکه طبقه سرمایه‌دار و دولت اسلامی حافظ آن بیش از پیش به شکل باندهای مافیائی عمل میکنند. تشدید بحران اقتصادی به سهم خود پیامدهای خود را برای کاپیتالیسم و نفس اداره روزمره جامعه و بده و بستان منطقه‌ای و جهانی ایجاد میکند. اقتصاد سایه، اقتصاد قاچاق، دولت سازمانده فساد و ارتشاً و اختلاس و عدم پاسخگو، سقوط پی در پی ارزش پول، زنجیره‌ای از مشکلات و پیامدهای این اوضاع خارج از کنترل، به تشدید و تعمیق بحران اقتصادی و بروز بحران در هر حلقه به شکلی شدیدتر منجر میشود.

بحران سیاسی

بحران سیاسی هم از همین قانون تبعیت میکند. این واقعیت که رژیم اسلامی دیگر نمیتواند با اقتصاد کوپنی و شبه دولتی دوره خمینی و میرحسین موسوی و زمان جنگ ایران و عراق کار کند، یا کفگیر سیاست بازار آزاد و خصوصی سازی رفسنجانی علیرغم تکرار و اجرای حلقه‌های آن در دولتهای خاتمی و احمدی نژاد و روحانی و رئیسی به ته دیگ میخورد، قبل از اینکه به "سیاست اقتصادی" مربوط باشد به ماهیت جمهوری اسلامی و ریشه سیاسی بحران اقتصادی ارتباط دارد و دلیل اساسی شکست پروژه رفسنجانی و خاتمی و اصلاح طلبی اسلامی است. اینکه دولت احمدی نژاد و رئیسی فقط بحران را تشدید میکنند گواهی دیگر بر این واقعیت است. بحران سیاسی رژیم اسلامی و سوختن کارتهای بازی حکومت در دوره‌های مختلف، نخواستن مردم و انفجار این نخواستن بعد از دوره ای انتظار، همه گواهی بر تشدید بحران سیاسی و ناتوانی رژیم در حل بحران است. وقتی میگوئیم جمهوری اسلامی وصله ناجوری بر پیکر جامعه ایران است راجع به این واقعیات مسلم و بارها اثبات شده سخن میگوئیم. از شکست پروژه اصلاح طلبی تا عروج سرنگونی خواهی بعنوان بستر اصلی سیاست ایران از سال ۹۶ تا ۱۴۰۱ و شکست خفت بار رژیم در چند دور انتخابات، همه دلالت بر تشدید بحران

صفحه ۴

شوک درمانی پزشکیان در باره استراتژی جدید بقای نظام

سیاوش دانشور

جمهوری اسلامی در نمایش انتخابات با تقلب و صحنه سازی مسعود پزشکیان را روی صحنه آورد. حکومتی‌ها و شخص خامنه‌ای بهتر از هر کسی میدانند که شکست مفتضحانه‌ای خوردند. مضحکه انتخابات به هر حال تمام شد و بحث راجع به آن فاقد اهمیت است. آنچه که مهم است، سناریوی جدیدی است که فی‌الحال پیش پرده آن را دیده‌ایم. از سقوط عجیب هلی کوپتر رئیسی جلال و همراهان و به حاشیه راندن باندی از جناح خشکه مقدس‌های رژیم تا به صحنه فراخواندن جناح اصلاح طلب و اعتدالگرا، بر ضرورت و نیاز بلافصل رژیم اسلامی در وضعیت کنکرت داخلی و جهانی حکومت دلالت میکند.

شخص پزشکیان و سیاست گفتار درمانی انتخاباتی‌اش، نیروهای پرو-رژیمی را همراه با جناح متبوعشان مجدداً تا اطلاع ثانوی در دفاع از ارتجاع اسلامی به رهبری خامنه‌ای بخط کرد اما کمترین ارزشی برای بحث ندارد. این نیروها تنها باید بعنوان زائده رژیم ارتجاع و آپارتاید اسلامی افشا و ایزوله شوند. برخلاف تبلیغات پوک رایج، پزشکیان گوشه‌ای از پروژه جدید نظام اسلامی برای وقت خریدن و سازش و بند و بست و مرحله جدیدی از استراتژی بقای نظام در متن یک دوره بحرانی داخلی و منطقه‌ای و جهانی است. جمهوری اسلامی بدنبال خیزش انقلابی ۱۴۰۱ دو هدف اساسی را دنبال میکند: اول، بقای نظام. دوم، بازتعریف مناسباتش با جهان پیرامون. این دو رکن بیش از هر زمان به هم مربوطند و هر کدام فاکتوری غیر قابل حذف در دیگری‌اند. امری که بیش از دوره‌های قبل برای نظام اسلامی ضرورت دارد.

تشدید بحران و جنگ بقا

نه بحران در رژیم اسلامی جدید است و نه سیاست بقای نظام. بقدرت پرتاب شدن رژیم اسلامی محصول و نیاز کاپیتالیسم ایران در یک بحران انقلابی در متن جهان دوقطبی دوره جنگ سرد بود. از آن مقطع جمهوری اسلامی با بحران زیسته است و از هر بحران برای بقای نظام با هر هزینه‌ای بهره جسته است. شعارها و تهدیدهای توخالی و تبلیغاتی در مقابل نیازهای بقای نظام بسرعت رنگ باخته‌اند. برآمدهای توده‌ای و کارگری در سالهای اخیر انعکاسی از تشدید بحران سیاسی و اقتصادی و فرهنگی حکومت است. سیاست رژیم اسلامی سرکوب خشن در تقابل با اعتراض برای استیفای هر حقوق پایه‌ای بوده است. اما سرکوب بطور نامحدود کارکرد ندارد. قدرتمندترین و سرکوبگرترین حکومتها در مقطعی این تنها ابزارشان به ضد خود بدل شده و فرو پاشیده یا سرنگون شده‌اند. سرکوب هنوز یک مانع واقعی است اما پاسخی برای تمام فصول نیست. سرکوب نسخه‌ای نجات بخش برای دردهای بی درمان رژیمی غرق در بحرانهای فلج کننده نیست. سرکوب مانند مسکن عمل میکند و بروز مجدد درد را عقب می‌اندازد. سرکوب نهایتاً وقت خریده است و زمان بروز بحران های حاد را مقداری به تعویق انداخته است اما نه علل پایه‌ای بحران را



تراژدی و نسل کشی در غزه نمادی از بربریت جهان امروز

شناسایی ودهها تروریست در اثر بمباران و موشک باران کشته شده اند. اما تصاویری که در نتیجه بمباران این اردوگاه در بعضی از رسانه ها منتشر شده، چادرهای سوخته و ویران شده و اجساد زنان و کودکان و ساکنین این اردوگاه است که به چشم می خورند. اردوگاهی که به کشتارگاه تبدیل شده و مردم آواره در گرما و گرسنگی هر لحظه مرگ را تجربه می کنند.

علاوه ب این دولت جنایتکار اسرائیل در دو هفته گذشته چندین مدرسه در خان یونس که محل زندگی آوارگان است به بهانه وجود نیروهای حماس بمباران کرد ودهها نفر کشته و زخمی به جای گذاشت. دولت اسرائیل بی شرمانه اعلام کرد که این اتفاق در دست بررسی است.

آنچه در رسانه ها در مورد غزه منتشر می شود که عموماً سکوت اختیار می کنند، درصد بسیار کمی از جنایاتی است که دولت و ارتش اسرائیل در غزه علیه مردم فلسطین مرتکب می شوند. درغزه یک نسل کشی جاری است. در اسرائیل خفقان رسانه ای حاکم است و تنها اشغالگری و پیروزی های ارتش اسرائیل نمایش داده می شود و جنایات ارتش اسرائیل در غزه تماماً پرده پوشی می شوند.

مردم فلسطین درغزه بی دفاع ترین مردم این جهانند. در مقابل ارتشی تماماً مسلح و دولتی اشغالگر و بروسست که کوچکترین امکان دفاع از خود را ندارند. دولت اسرائیل مورد حمایت اکثر دولتهای غربی و توسط دولت امریکا تغذیه می شود. مدعی هستند که مذاکره برای آتش بس و آزادی گروگانها در جریان است، اما همچنان دولت اسرائیل مردم را کشتار می کند.

غزه تماماً نابود شده است. و جای امنی برای زنده ماندن و فرار از مرگ وجود ندارد. دولت اسرائیل قلدنر منشانه و حق به جانب به کشتار ادامه می دهد و قصد نابودی مردم فلسطین را دارد. جهان نظاره گر این نسل کشی است. اعتراض میلیونی مردم متمدن جهان به این نسل کشی نادیده گرفته می شود و این جنایات پرده پوشی می شوند. چقدر دیگر باید خون مردم بی گناه فلسطین ریخته شود تا دولت جنایتکار اسرائیل به اهدافش برسد.

توقف جنگ و پایان دادن به کشتار ورنج و مشقت مردم فلسطین درغزه خواست مردم آزادیخواه جهان است. سازمان ملل، امریکا و سایر دول غربی در مقابل جنایت دولت اسرائیل در غزه مسئول هستند. مردم غزه نباید فراموش شوند. نباید تسلیم خفقان رسانه ای در مورد جنایت و نسل کشی در غزه شد. گشترش اعتراض جهانی به این جنایات و فشار به دولتها برای پایان دادن به این نسل کشی وظیفه مردم آزادیخواه جهان است. تراژدی و نسل کشی در غزه نمادی از بربریت جهان امروز است. به این بربریت باید پایان داد. مردم فلسطین حق زندگی دارند. اشغالگری دولت قومی و نژاد پرست اسرائیل باید پایان یابد.
سر دبیر

برنامه های **تلویزیون پرتو**، رسانه حزب کمونیست کارگری-حکمتیست را بطور زنده از طریق کانال آلترناتیو شورایی در اینترنت دنبال کنید و به کارگران و دوستانتان معرفی کنید.

آدرس خط زنده:

<https://alternative-shorai.tv/>

برابری بیقید و شرط زن و مرد در تمام شئون اجتماعی!

و اعتدالیون موسوم به میانه رو از این زمره‌اند. اینها جزو هزار فامیل نظام‌اند که با پیوندهای خانوادگی و اقتصادی و تاریخ مشترک به هم تنیده‌اند.

نیاز امروز جمهوری اسلامی بعد از امتحان همه چهارچوبها و به بن بست رسیدن همه آنها؛ از "حزب فقط حزب الله" و "راه قدس از کربلا میگذرد" موسوی و "ایران ژاپن میشود" و "سردار سازندگی" رفسنجانی تا "اصلاحات و جامعه مدنی" خاتمی و "عر و تیز ضد آمریکائی" و مستصف پناهی احمدی نژاد و "برجام روحانی" و "سید محرومان" رئیسی، آهی در بساط نمانده است. خط مشی مشترک اقتصادی همه این دولتها از دوره رفسنجانی تاکنون تهاجم به سطح زندگی طبقه کارگر، کاهش مستمر دستمزدها و ارزان سازی نیروی کار با هدف فربه تر کردن سرمایه داران متفرقه در کل هیئت حاکمه نظام اسلامی بوده است. باندهای حکومت هر اختلافی باهم برسر خط مشی بقای نظام داشته باشند، در مواجهه با مردم و چلاندن طبقه کارگر و تسری اختناق و سرکوب توافق کامل داشتند. حتی اصلاح طلبانی که در حاشیه نظام بودند برسر کوبیدن مردمی که از همه شان عبور کردند فالانژتر از برادران "انحصار طلب" شان ظاهر شدند. پرونده همه شان در این زمینه تاریک و سنگین است.

امروز جمهوری اسلامی بنا به موقعیت مشخص داخلی، اوضاع پس رفته "میدان" و "محور مقاومت"، شرایط خطرناک منطقه و پتانسیل و مخاطرات بالقوه گسترش جنگ، فشار تحریم ها، پرونده هسته ای، تشدید تقابل قطبهای سرمایه داری و صف بندی های منطقه ای حول آن، باضافه فاکتور مهم اوضاع داخلی و کوه آتشفشانی که میتواند هر لحظه زبانه بکشد، نیازمند درجه ای از کنترل اوضاع و زمان خریدن و بند و بست و مذاکره است. جامعه و شرایط مستعد انفجار نیازمند بازکردن سوپاپ های اطمینان و دفع فشارها حتی بصورت موقت است. بویژه "خطر" داخلی و سرکوب آن نیازمند یک اطمینان خارجی است. جمهوری اسلامی همواره دنبال تامین و تضمین امنیت خویش از جانب دولتهای غربی بویژه آمریکا بوده است و در هر شرایطی حتی آنجا که سیاستهای پوک و ارتجاعی ضد آمریکائی در اوج بودند، مشغول معامله و بند و بست با همین دولتها بوده است. باز کردن این دریچه در صورت ظاهر با دولت رئیسی ممکن نبود همانطور که با دولت احمدی نژاد ممکن نبود. اما مذاکراتی که در دوره احمدی نژاد بصورت مخفیانه و غیرعلنی در عمان آغاز شد در دولت روحانی بصورت علنی به برجام منتهی شد. امروز نیز همان روند ماههاست که در جریان است و دولت پزشکیان و ترکیب وزرایش قرار است شکل علنی آن را پیش ببرد.

اینبار مذاکرات فقط برسر پرونده هسته ای و احیای "برجام" نیست، کم کردن یا رفع تحریم ها و مسائل منطقه ای و همان تضمینی که رژیم بدنبال آنست از وجوه مذاکراتی است که در چند ماه گذشته مقدماتش فراهم شدن است.

شوک های اقتصادی در راهند. آن "شیب کم و تدریجی" گرانی گاز و بنزین و برق رئیسی، باضافه طرح حذف یا کاهش یارانه ها، اجرای تمام و کمال برنامه موسوم به "توسعه هفتم" که گسترده ترین تهاجم به سن بازنشستگی و صندوق های بیمه و اندوخته کارگران است، موج جدید خصوصی سازیهای صنایع و اموال جامعه از رؤس کار دولت پزشکیان است. امری که با تشویق های مکرر

شوک درمانی پزشکیان...

سیاسی و کوتاه شدن زمان بروز بحران در شکل اعتراضات و انفجارهای توده ای و اعتراضات کارگری است. شکاف بین مردم و حکومت هر روز آنتاگونیزه تر میشود. نه رژیم کوتاه می آید و تسلیم خواست مردم میشود و نه مردم در عقب نشینی رژیم متوقف میشوند.

بحران فرهنگی

بحران فرهنگی رژیم نیز به حد انفجار و تعرض فرهنگی جامعه به حاکمیت رسیده است. قبلتر تناقض فرهنگ جامعه با فرهنگ حکومت و طبقه حاکم مطرح بود. این واقعیت که حکومت تلاش داشت جامعه را اسلامی کند و جامعه زندگی خودش را به طرق سکولار میکرد. دو دنیای متفاوت در خیابان و خانه بموازات هم در جریان بودند. دیری نپائید که آنچه زیرزمینی بود به خیابان آمد و آنچه که قانون و حاکم بود به حاشیه رفت. تحولات عظیمی در جامعه و مناسبات شهروندان و جامعه شهری و رابطه مردم با حکومت صورت گرفته است که در کنار توحش اسلامی و عقب ماندگی و زن ستیزی و جنایت علیه زنان به صورت‌های مختلف رخ نشان میدهند و رژیم اسلامی در مقابل آنها تماماً فلج است. عروج زنان در قالب بزرگترین شورش زنانه تاریخ، تعرض نسل جدید علیه اسلام و آخوند، موج برگشت آنتی‌اسلامیستی، از تشدید بحران فرهنگی رژیم اسلامی و لاینحل شدن این بحران میگویند.

بحرانهای دیگر مانند بحران محیط زیست، غیرقابل زیست شدن تدریجی بخشی از ایران، بحران آموزش، بحران سلامتی، بحران‌های متعدد همه از عواقب بحرانهای اساسی حکومت و بن بست همه جانبه رژیمی هستند که دیگر نمیتواند جامعه را با روشهای سابق در انتظار نگاهدارد. تعرض جامعه به حکومت درست مانند تعرض حکومت به جامعه، هر دو برای بقا است. جامعه هم دیگر فقط برای استیفای حقوق پایمال شده نمی‌جنگد بلکه ناگزیر برای بقای خویش است. در جنگ بقا هر طرف راهی جز نفی دیگری ندارند. در این اوضاع مشخص و فاز تشدید شده بحران همه جانبه است که پزشکیان و پروژه جدید حکومت کلید خورده است. اما پزشکیان ویتترین کدام پروژه رژیم اسلامی است؟

تجدید آرایش حاکمیت

بارها اشاره و تاکید شده است که انتخابات در جمهوری اسلامی مکانیسمی برای تجدید آرایش جناح‌های اصلی و بدنه هیئت حاکمه و گوشه‌ای از جنگ برسر قدرت و دسترسی بیشتر به ثروت و رانت است. اما خود این تجدید آرایش تابعی از استراتژی و خط مشی بقا و کنترل و مدیریت "مخاطراتی" است که در داخل و خارج نظام را تهدید میکند. این رویه که در هر دور عده ای "حذف" میشوند یا دیگر برای پست‌های کلیدی تأیید صلاحیت نمیشوند، هیچوقت به معنی کوتاه شدن دست شان از بدنه نظام نبوده است. حتی وقتی در "حصر" خانگی و تصویری و خبری قرار دارند. خارج شدن از دایره "خودی" ها و یا حذف فیزیکی تنها در شرایط ویژه ای صورت میگیرد. برای همین است که اصلاح طلبانی که تا جاسوس آمریکا و اسرائیل و محاکمه و شکنجه و زندان رفتند، در زمانی که ضروری است جلودار میشوند. خاتمی و باند آدمکشان پیشکسوت نظام و طایفه رفسنجانی- کارگزاران

شوک درمانی پزشکيان...

انتظار وعده‌های یک من یک غاز پزشکيان می‌نشیند. سیاست جمهوری اسلامی با پزشکيان شوک اقتصادی و سرکوب در داخل و بند و بست و معامله در خارج است. معضلات وخیم جامعه با گفتار درمانی جناب دکتر پاسدار استرنجلاو رفع و رجوع نمیشوند. دور جدید برآمدهای توده ای و کارگری در راهند.

۱۸ ژوئیه ۲۰۲۴

بانک جهانی و صندوق بین المللی پول و دولتهای غربی روبرو میشود. جمهوری اسلامی قرار است هر کارتی در دست دارد برای گرفتن تضمین و بقای خویش در بده بستان جدید بازی کند. همه اینها لازم شده تا بتوانند با خیال آسوده تری به سرکوب جنبش انقلابی و اعتراضات وسیع در داخل بپردازند.

رژیم اسلامی با مترسک پزشکيان به این نیاز جواب میدهد. فردی که در بیرون توسط رسانه ها "اصلاح طلب" و "میانہ رو" و "پراگماتيست" لقب میگيرد و رسانه های نوکر از جمله مفسران قلم به مزد فارسی زبانش برای آن سنگ تمام خواهند گذاشت. اما یک چیز را خوب نخوانده اند؛ تناقض و تقابل جامعه با حکومت نه فقط با پزشکيان رفع نمیشود بلکه تشدید خواهد شد.

جامعه به جمهوری اسلامی رضایت نمیدهد و اتفاقاً سیاست گفتار درمانی پزشکيان مردم را متعرض تر میکند و برای همین است که رژیم پیشاپیش به "سرکوب پیشگیرانه" پسا-انتخاباتی رو آورده است تا بگوید مبدا از شکست خفت بار انتخاباتی و ضعف حکومت به نفع تعرض مجدد استفاده کنید. اما فقر و فلاکت مشدد اینها سرش نمیشود.

نیاز جنگ بقا امری دو طرفه است؛ نه جامعه خودکشی میکند و نه در



در یک نگاه

ناتو دنیا را به مسیر جنگ جهانی دیگری سوق می‌دهد!

کابوس جنگی به میدان آمدن بشریت آگاه و طبقه کارگر و کمونیسیم این طبقه به مثابه نیروی اجتماعی مسئولیت پذیر برای به زیر کشیدن سیطره و حاکمیت قدرتها و دولتهای کاپیتالیستی و پایان دادن به جنگ و تروریسم و استثمار و تبعیض نظم سیاه سرمایه است. در غیر اینصورت اوضاع تاریک و هولناکی در انتظار بشریت است.

ژوئیه ۲۰۲۴

منصور حکمت را بخوانید

و به دیگران معرفی کنید!

<http://hekmat.public-archive.net>
www.hekmat.com

بیانیه تماماً جنگ طلبانه سران ناتو در نشست هفتاد و پنجمین سال تأسیس این ائتلاف جنگی ضد بشری بیش از پیش و به وضوح سوق دادن دنیا به کام جنگ جهانی دیگری است. خط و نشان کشیدنیهای ناتو علیه دیگر قدرتهای امپریالیستی رقیب یعنی روسیه و چین و متقابلاً عکس العمل تند آنها لفاظی تبلیغاتی نیست. ریشه در رقابتهای و تناقضات و نیازهای قطبهای رقیب امپریالیستی جهان معاصر دارد. در ادامه ی حمایتهای تاکنونی به دولت دست راستی اوکراین، در اختیار دادن امکانات جنگی ۴۰ میلیارد یورویی، لجاجت بر "مسیر برگشت ناپذیر" ادغام اوکراین در ناتو و غیر ممکن کردن هر اقدامی در راستای سازش و پایان جنگ بین دولتهای مرتجع روسیه و اوکراین هر ناظر آگاهی را متقاعد میکند که خطر جدی است. مضافاً اشاره گاه و بیگاه پوتین و همکارانش به استفاده از بمب اتمی اگر بخشاً تبلیغاتی قلمداد شود، اما جنبه مهمتر اشاره به واقعیت تلخ جهان انباشته از تسلیحات هسته ای است که جانوران ضدبشری همچون بایدها و پوتینها و مکرونها و شی جی ها و ترامپها و با بکارگیری آنها دنیا را به ویرانه تبدیل میکنند .

راه سد کردن جنگ طلبی دولت آمریکا و ناتو از کانال عکس العمل جنگی روسیه و چین و دیگر رقیبان کاپیتالیست نمیگذرد، بلکه اقدام آنها تشدید کننده وقوع جنگ جهانی دیگری است. پاسخ چنین

شورا مجمع عمومی سازمانیافته و منظم است!

در یک نگاه

در آروزی تاج و تخت دفن شده

رحمان حسین زاده



رضا پهلوی و حواریون مشروطه خواهش اینست فکر میکند در جامعه ایران سرنگون کننده جمهوری اسلامی "پارلمان قبیله ای و لویی جرگه" مجال پیدا میکند که خواستار "احیای رژیم پادشاهی" باشند. برشمردن تفاوت‌های سیاسی ما بین روند تحولات سیاسی در جامعه افغانستان و ایران برای رضا پهلوی و کل "سامانه پادشاهی" به شدت

گذشته گرا و مرتجع که روز روشن حقایق پیشرو و انقلابی و رادیکال جامعه ایران را کتمان میکنند، بی فایده است. داستان اینها به فرقه "اصحاب کهف" شبیه است که گویی صدها سال با تأخیر به جامعه ورود کرده اند. در عین حال رضا پهلوی به روی خود نمی آورد که جامعه افغانستان هم تن به "احیای پادشاهی مشروطه" نداد. اینها چنان در گذشته خرافی خود غرقند متوجه نیستند، انسانها در دنیای امروز برای خود حرمت و کرامت قائلند و برپایی سیستم شاه و رعیتی پوسیده را کسرشان خود میدانند. مشکل بزرگ رضا پهلوی و سلطنت طلبان تمکین نکردن به حقایق رادیکال و پیشروجامعه است.

رضا پهلوی غرق شده در نوستالژیهایش در همان کنفرانس آمادگی خود و "پادشاهی احتمالا احیا شده اش" را برای حلقه بگوشی در بارگاه دولت آمریکا و متحدانش چنین بیان کرده است.

"پس از سقوط جمهوری اسلامی و بازگشت حاکمیت به مردم، ایران دوباره به "لنگرگاه صلح و ثبات در خاورمیانه" بدل می‌شود و ایالات متحده دیگر مجبور نخواهد بود نیروهای خود را به این منطقه اعزام کند". به زبان ساده یعنی همانند دوره پدرش "حکومت پادشاهی ژاندارم منطقه" خواهد بود. رضا پهلوی چنانکه اندکی از دوره حکومت شکست خورده پدرش درس گرفته بود، نمی بایست الگوی دوران تجربه ناکام "ژاندارمی" حکومت پدرش را یادآوری میکرد. گویی براینها حرجی نیست.

آنچه به طور فشرده در بالا به آن پرداخته شد، گفته های کسی است که قرار بود نقش هماهنگ کننده همه گرایشات (شما بخوان پدرخوانده) را ایفا کند و چشم به حکومت و سلطنت نداشته باشد. معلوم بود آن مانورهای گذشته چیزی جز ریاکاری نبود که مداوماً توسط ما کمونیستها و آزادیخواهان و برابری طلبان افشاء شد. به همین دلیل شعار "مرگ بر ستمگر چه شاه باشه، چه رهبر" بیش از پیش در تظاهراتهای داخل و خارج کشور جا افتاد. رضا پهلوی خوبست این حقیقت را بفهمد، دوران احیای سلطنت در جامعه ایران با وجود جنبش کارگری و دیگر جنبشهای اجتماعی رادیکال دیگر بسر آمده است. بسیار کوتاه بینانه است تحت تاثیر اندرزه‌های چهره های شاه الهی همچون امیر طاهری و فشار افراطیون اطرافش فیلش هوای هندوستان کند و غرق در فانتزی حکمروایی شاهی پادروها و ناکام در کاخ نیاوران خود را محبوس کند. اگر در جریان خیزش انقلابی دو سال قبل، ریاکارانه ادعا میکرد "در ایران انقلابی" در راه است، بهتر است متوجه شود جامعه آستان انقلاب آزادیخواهانه به عقب بر نمیگردد و حکومت سلطنتی را دفن کرده است.

صفحه ۵

شواهد نشان میدهد، رضاپهلوی بلوغ سیاسی طبقاتی بیشتری پیدا کرده است. دوران مانورهای اپورتونیستی یک روز جمهوریخواه و روز دیگر سلطنت خواه، با لفاظی های دروغین "چشم به قدرت و سلطنت ندارد" و نقش "هماهنگ کننده همه نیروهای اپوزیسیون از راست و چپ" را به عهده میگیرد، سپری کرده و اکنون لخت و عریان درست در قامت سلطنت طلبان افراطی و بی منطق اطرافش همچون سیمین خانم همسرش بیشرمانه و رک و پوست کنده اهداف و نیات و سیاست خود را بیان میکند. سخنان اخیر او در کنفرانس "محافظه کاری ملی" در چهارشنبه ۱۹ تیر ماه در واشنگتن به وضوح کاراکتر فوق ارتجاعی تاکنون پرده پوشی شده و را افشا میکند.

ایشان بیان کرده اند: "۴۵ سال پیش، ایران میدان آزمایشی بود برای آنچه پدر فقیدم، ائتلاف نامقدس سرخ و سیاه - مارکسیسم رادیکال و اسلام‌گرایی رادیکال - می‌نامید."..... "این جبهه متحد مارکسیست و اسلام‌گرایان میهن مرا فتح کرد"

رضا پهلوی بدون روتوش با مدتی تأخیر عین نفرت پراکنی چماقداران شاه طلب و یاسمین خانم را علیه مارکسیستها و کمونیستها برزبان آورده و به عبث می‌خواهد روایت جعلی و وارونه از رویداد تاریخی انقلاب ۵۷ به دولتمردان غربی نقطه امیدش و به حواریون متعصب "سامانه پادشاهی" قالب کند. به ایشان باید یادآوری کرد اتفاقاً اتحاد ننگین رژیم پدراو با قشر طفیلی "روحانیت و آخوندهای کپک زده"، به وضوح موجب قدرتمند شدن اسلاميون و همزمان سرکوب مبارزین چپ و کمونیست شد و از طرف دیگر زمانی که که دولتهای غربی متوجه شدند در راستای منافع امپریالیستها و برای مقابله با انقلاب چپ گرایانه در ایران دیگر از پدر سرسپرده او و سیستم سلطنتی اش کاری ساخته نیست، کنفرانس گوادالوپ را بستند، عطای رژیم سلطنت را به لقایش بخشیدند و جریان اسلامی و خمینی را علیه کمونیستهای رادیکال و انقلاب آزادیخواهانه مردم و برای شکست آن به قدرت رساندند. کار به جایی رسید که قدرتهای بزرگ کاپیتالیستی که سالهای متمادی قبله گاه پدرش بود، راه خروج از کشور را همانند خروج مفتضحانه پدر بزرگ قلدرش به "پدرفقیدش هم نشان دادند. جالب اینکه رضا پهلوی از دو افتضاح بیرون راندن پدر بزرگ و پدرش توسط دولتهای غربی درس نگرفته و در تمامی این سالها و در همین کنفرانس به دربوزگی جلب حمایت آمریکا و دولتهای اروپایی رفته است. او با التماس میگوید: "امروز "نخبگان سیاسی" آمریکا نباید اشتباه افغانستان را تکرار کنند که هفتاد درصد از پارلمان قبیله ای کشور پسا طالبانی خواستار احیای پادشاهی مشروطه ظاهر شاه بودند ولی آمریکا این خواست ملی و این حق حاکمیت آنها را رد کرد".

با چه زبانی صریحتر از این تاج و تخت دفن شده توسط انقلاب مردم ایران در سال ۵۷ را از آمریکا و دولتهای غربی گدایی کند. اما اشتباه

جنبش مجمع عمومی را گسترش دهیم!



جنبش پیشرو معلمان اشاره مدارد. اگر با این تلاش های جناح های پرو رژیم مقابله جدی نشود می تواند هم با حیثیت تشکل های صنفی معلمان و فرهنگیان بازی کند و هم فعالین معلم پیشروی که مستقل علیه جمهوری اسلامی قد علم کرده را زیر سوال ببرد و بعلاوه خط مذاکره گر و یا مماشاتگر را بجای مبارزات پیشرو معلمان گسترش دهد.

طیف مماشات گری با جمهوری اسلامی، امثال فرج کمیجانی در سال ۱۴۰۰ در جریان اعتراضات سراسری معلمان که در بیش از ۱۰۰ شهر انجام شد، در همان دوره حاشیه ای شد و در میان مبارزان جنبش مترقی معلمان و تشکل های اصلی آن، دیگر جایگاهی ندارد، اما عده ای میخواهند در این شرایط به این بخش میدان دهند، چرا که در آن ذینفع هستند.

بگذارید واضح تر بگویم؛ پست وزارت در حکومت جمهوری اسلامی بمنزله دست دادن و همکاری با عوامل کشتار فرزندان و دانش آموزان دلبنده است، نامزدی و معرفی برای پستی در وزارت آموزش و پرورش به مفهوم دست داشتن در سرکوب زنان و دوام آپارتاید جنسی و دوام ایدئولوژی پوسیده اسلامی در مدارس و تحمیل ترک تحصیل و تمامی مصائبی است که حکومت اسلامی آنها را بر بدنه آموزشی و کل جامعه تحمیل کرده است.

جناحی که میخواهند چنین پروژه نخ نمایی را بنام معلمان پیش ببرند، بخوبی میدانند که خواست اصلی معلمان و فرهنگیان و سرنگونی انقلابی جمهوری اسلامی است. بخوبی میدانند که معلمان و فرهنگیان از حکومت اسلامی متنفرند.

طبیعتاً بخش عظیم فعالین پیشرو فرهنگی و معلمان با تشکیل هرگونه کارگروه برای پیشنهاد جهت معرفی به پست وزارت و آموزش و پرورش مخالف بوده و به مبارزات خود در کف خیابان و در قالب تشکل های مستقل خود ادامه خواهند داد.

در برابر چنین تلاش های مذبحانه ای، باید تشکل های صنفی مستقل معلمان را تقویت کرد، خط طرفدار رژیم را حاشیه ای کرد و در ادامه، خواست های صنفی و کلان خود را بتوانند در قالب مبارزات پیشرو فریاد زده و حکومت اسلامی را وادار به عقب نشینی کنند.



۲۸ تیر ۱۴۰۳

پروژه نخ نمای اصلاح طلب رژیم اسلامی را در جنبش معلمان باید افشا و منزوی کرد!

فاطمه عسگری

مسعود پزشکیان پس از مضحکه انتخاباتی جمهوری اسلامی در دوره ای بر مسند قدرت می نشیند، که حکومت اسلامی بیش از پیش در بحران و فلاکت قراردارد و ضعیف ترین درصد مشارکت مردم طی چهل و اندی سال گذشته را به پرونده خود اضافه میکند.

پس از اینکه مسعود پزشکیان رئیس جمهور "اصلاح طلب" ذوب در رهبری به قدرت می رسد، عده ای از معلمان که به جناح اصلاح طلب تعلق دارند تحت عنوان فعالین مستقل به قدرت رسیدن پزشکیان را در کلاب هاوس به او تبریک میگویند. گویی از سیستم انتخابات در رژیم اسلامی اطلاعی ندارند و یا نمی دانند همین آقای پزشکیان دانشجو خط امام دانشگاه تبریز عامل سرکوب دانشجویان انقلابی در دوره انقلاب فرهنگی بود و یا گویی یادشان رفته جامعه خیزش های مختلفی از دی ماه ۹۶ تا شهریور ۱۴۰۱ را پشت سر گذاشته و بخش عظیم معلمان "نه" محکم خود به مضحکه انتخابات رژیم را در همین دوره در قالب بیانیه ای با امضای ۵۲۰ فعال جنبش معلمان اعلام کردند.

همین بخش از بدنه معلمان کشور که ربطی به فعالین پیشرو این جنبش سراسری ندارند، اینبار با همراهی خط فرج کمیجانی که عملاً کف خیابان را "در شان معلمان" نمیدانند و متعلق به خط اصلاح طلب و مذاکره پشت درهای بسته را میخواهند پیش ببرند، بحث ارائه کاندید مناسب برای پست وزارت آموزش و پرورش را پیش میبرند. همزمان جناح اصلاح طلب و عده ای معلم منسوب به اصلاح طلبان و هر جناح رژیم اسلامی از بین عده ای از معلمان کشور که اموال فرج کمیجانی نیز در این لیست قرار گرفته اند می خواهند به گونه ای وانمود کنند که نمایندگان تشکل های معلمان بعنوان گزینه های پیشنهادی برای پست حکومتی وزارت آموزش و پرورش معرفی شده اند.

این طرح که تحت عنوان "کارگروه" پیشنهادی وزارت آموزش و پرورش تبلیغ شده بود توسط محمد حبیبی سخنگو کانون صنفی معلمان تهران افشا میشود. در همین رابطه حبیبی اینگونه مینویسد؛

"فهرستی با عنوان کارگروه معرفی وزیر آموزش و پرورش اعلام شده است. در این فهرست افرادی به عنوان نمایندگان تشکل های صنفی معلمان معرفی شده اند. افراد معرفی شده هیچ کدام عضو تشکل های صنفی نیستند، یا فعال صنفی منفرد هستند و یا عضو تشکل های سیاسی اند. همچون همیشه هیچکدام از تشکل های صنفی معلمان وارد بازی های سیاسی انتخاب وزیر نمی شوند. ضمن اینکه ماهیتا مطالبه گر از هر دولتی خواهند بود. سواستفاده از نام این تشکل ها عملی غیراخلاقی است."

این اظهار نظر به موقع از سوی محمد حبیبی، به خوبی بر تلاش های نخ نمای جناح حکومتی در بین معلمان برای سوءاستفاده از نام معلم و

نه قومی، نه مذهبی، هویت انسانی!



بسیاری از چهره‌های دارودسته علی‌زاده، پریسا نصرآبادی، طاها زینعلی، پیام شاکر، اشکان خراسانی و عسل اخوان و دیگر شرکای چپ نو و کهنه آنها و اعوان و انصار داخلی‌شان علنا کارزار سعید جلیلی را در انتخابات با هشتگ پرموت و حمایت کردند.

این حمایت‌ها از راست‌ترین جریان ممکن در جمهوری اسلامی و شاهد آوردن از مارکس و لنین برای حمایت از ذوالنور و رائفی پور توسط این اساتید، درحالی انجام شد که سعید جلیلی دنباله جریانی است که در دهه شصت کارگر را (اجیر) می‌نامید تا حقوق کارگری را از وی ساقط کند. وی ادامه جریانی است که در خیریه نذر اشتغال اصفهان، هنوز دنبال از بین بردن حداقل دستمزد و حذف همین قانون کار نیم‌بند است. ضمن اینکه همین سعید جلیلی تندترین شوک بنزینی را در قالب طرح موسوم به "و.ا.ن" در دستور کار دولت سایه خود گذاشته بود.

این جماعت با تبدیل کردن خود از چپ محور مقاومتی و نئوتوده‌ای، به بخشی از نیروهای درون حاکمیت که در صدا و سیما ظاهر می‌شوند، در کنار دوستان لیبرال اصلاح‌طلب خود مانند موسی غنی نژاد، قرار است بال مارکسیست نظام و جزئی از سیستم تلقی شوند. لنین در ترسیم مفهوم "مارکسیسم قانونی" چهره امثال این‌ها را به خوبی افشا کرد. البته این حضرات از این غافل هستند که تاریخ گذشتگان خود را نخواندند و نمی‌دانند که در پایان "خر داغ می‌کنند!"

دیر نیست که دارودسته شفیق و امثال پویان صادقی‌ها و دیگر اسامی مستعار، بر همین ریل حرکت کرده و آنان نیز با افشای اسم، "کار حوزه‌ای" خود را که مدل مبتدل "جامعه‌گردی" و "نئوری پیوند" حزب توده و چپ سنتی است را با مجوز از حوزه‌های علمیه ادامه دهند تا وجه تسمیه حوزوی سبک کارشان، بطور کامل محقق شود!

۲۸ تیرماه ۱۴۰۳

زنده باد شوراها!

ارگانهای اعمال اراده مستقیم توده ای و کارگری را

همه جا ایجاد کنید!

در کارخانه ها و محلات

شوراها را برپا کنید!

امروز شورا ارگان مبارزه و قیام

و فردا ارگان حاکمیت!

دگردیسی چپ محور مقاومتی از "نئوتوده‌ای"

به "مارکسیست قانونی"

سمیرا دولشاهی

در جریان انتخابات چهاردهمین دوره ریاست جمهوری رژیم اسلامی، چپ بورژوازی ایران صرف‌نظر از جناح‌های آن به بخش‌های مختلفی تقسیم شد که مواضع کم سابقه چهره‌های این جریان قابل توجه است. در این میان برخلاف دوره‌های گذشته به دلیل آبروریزی زیادی که رای دادن ایجاد می‌کرد، جناح نئوتوده‌ای که بطور سنتی در ادامه مشی جریاناتی مثل فدایی اکثریت و راه توده و چپ فرانکفورتی به اصلاح طلبان رای می‌داد، این بار اندکی با سکوت و دست به عصا حرکت کرد. تنها عناصر بدنام و سوخته‌ای مثل فرخ نگهدار تا عمه‌های داخلی وی از رای به پزشک‌های همچنان حمایت کردند.

از آنجا که برای بسیاری از چهره‌های جنبش سبزی و اپوزیسیون راست داخلی مثل مصطفی تاجزاده و نرگس محمدی برای حفظ ظاهر رای خود را به پزشک‌های ندادند، بسیاری از چهره‌های چپ دارای نوستالژی جنبش سبز سکوت کرده یا با تردید به صف تحریم‌کنندگان مضحکه انتخاباتی پیوستند.

اما در این میان خط محور مقاومت از همه بیشتر به شکوفایی خود ادامه داد و در پیدا و پنهان از چهره ضدامپریالیست و حامی مستضعفین نظام یعنی سعید جلیلی حمایت کرد. این چپ در ادامه خط مستضعف پناهی خود رسماً از تندترین جناح حامی بستن تمام منافذ کشور (به قدری که نیروهای خود سیستم به نفس تنگی بیفتند) هم حمایت کامل به عمل آورد.

در این میان برخی با سکوت و نپیوستن به کارزار تحریم انتخاباتی و حمله نسبی به تحریم‌کنندگان، خود را بی طرف جا زده اما پیدا و پنهان گرای رای دادن و حمایت از سعید جلیلی را به هواداران خود دادند.

اخیراً بهمن شفیق این پدر معنوی خط محورمقاومت که در اقدامی انقلابی سایت تدارک کمونیستی خود را به "سازمان تدارک کمونیستی" تغییر داده، در فایل صوتی ۱۵ دقیقه‌ای خود از تحلیل آخرین نتایج انتخابات، رسماً سعید جلیلی را فردی بروکرات و اداری دانسته که بخاطر تصادف و اتفاق مانند چاپلین فیلم عصر جدید، ناگهان پرچم سرخ از سر تصادف به دستش افتاده و پرچمدار مبارزه علیه اولیگارش‌های فاسد دولت سوم روحانی (منظور تیم مسعود پزشک‌های) شناخته شده که برخی چهره‌های با سوگیری ضد بازار آزاد مثل امیرحسین ثابتی و یاسر جبرائیلی در کنار او هستند. او مدعی شده که پشت سعید جلیلی حمایت خودجوش مردمی و ضد اولیگارش‌های بوده و از طبقه کارگر و شعار علیه پیمانکاران نیز در کنار او ناگزیر استفاده شده است!

این دفاع یواشکی و ضمنی پدر اردوگاه مقاومت در شرایطی است که

زنده باد جمهوری سوسیالیستی!



کردن کلیت دکان مذهب و خرافه و اسلام سیاسی در سطح عمومی جامعه هستند و همین سیرک محرم بخشی از آن است.

در این میان زنان و دخترانی که بدون حجاب، در سیرک زنجیر زنی محرم در کرج شرکت داشتند، خود خواسته ویا سازماندهی شده، در زمین جمهوری اسلامی بازی میکنند و عامل تبلیغ صنعت مذهب رژیم اسلامی برای سرکوب هر چه بیشتر زنان جامعه ای می شوند که خواهان سرنگونی این حکومت قرون وسطایی هستند.

علی رغم تمامی نمایش ها و تفلاهای رژیم برای تبلیغ محرم و معرکه گیری های هیئت های عزاداری در این ماه، میان عموم مردم نه تنها جایگاهی ندارند، بلکه اکثریت مردم متنفر از جمهوری اسلامی و خرافات اسلامی که از این مضحکه متنفرند، اگر فشارهای امنیتی و اختناق اسلامی مانع نباشد و دستگاہهای سرکوب فقط یک روز تعطیل شوند، تمامی این مناسک اسلامی را به هم میریزند. با جارو کردن دولت اسلام و خرافات همه مناسک های مذهبی نیز حاشیه ای خواهند شد.

۲۸ تیر ماه ۱۴۰۳

سیرک محرم در سالی که پزشکین رئیس جمهوری میشود!

امیر عسگری

مناسک محرم یکی از کارناوال های مهم حکومت اسلامی برای تبلیغ صنعت مذهب امسال درست بعد از گمارده شدن پزشکین به مسند ریاست جمهوری علم میشود. مضحکه محرم در دوره پس از خیزش انقلابی شهریور، در دوره ای که زنان حجاب این پرچم بردگی زن را به آتش کشیده و جوانان انقلابی حوزه های بسیج و مساجد بعنوان مراکز ارتجاع اسلامی را به آتش کشیدند و علنا اعلام کردند از دین و مذهب متنفرند، برگزار میشود.

در برهه علم شدن سیرک محرم، رئیس جمهوری حکومت اسلامی مسعود پزشکین بعنوان یکی از مرتجع ترین اصلاح طلبان که خود را در خط خامنه ای معرفی میکند و زمانی بعنوان یک خط امامی و حزب الهی در قلع و قمع چپ و کمونیست در دانشگاه تبریز نقش داشت و به گفته خودش در همان دوران دکان مذهب را در دانشگاه تبریز با برگزاری کلاس های قرآن علم کرده بود، در مراسم عزاداری مداح لمین مورد علاقه خامنه ای، سعید حدادیان شرکت کرده و با او جهت انتشار در روزنامه های جمهوری اسلامی عکس یادگاری می گیرد.

در این میان همانند سال های گذشته هیأت های عزاداری، گله های نادان با بدنهای گلی، خرافات را در میان جامعه ای که عموماً از مذهب رویگران و متنفرند را علم میکنند و با کمترین درصد استقبال حتی در بین قشر مذهبی جامعه روبرو میشود.

امسال در کنار برگزاری کم رونق مراسم محرم شاهد حضور عده ای از دختران بدون حجاب در صف زنجیر زنی برای حسین و سایر اصحاب مرتجع اسلام در هیئت های عزاداری و خیابان های کرج بودیم. اگر کمی دقیق تر به این قضیه نگاه کنیم؛ تصویری مشابه را میتوان در مراسم بزرگداشت ۲۲ بهمن و یا برگزاری مضحکه انتخابات رژیم اسلامی مشاهده کرد. امری که با سازماندهی سازمانهای حکومتی و دستگاہهای تبلیغاتی-امنیتی جمهوری اسلامی همه ساله به اشکال مختلف توسط صدا و سیما به تصویر کشیده میشود.

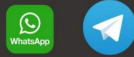
زمانی که دختران و زنان بخاطر نداشتن حجاب بازداشت و شکنجه شده و مورد تجاوز در زندان ها قرار میگیرند، چگونه امکان دارد در مراسمی که مرتجع ترین انسان ها در آن شرکت دارند دختران در صفوف اول دسته های زنجیر زنی حضور پیدا کنند و از ماموران خبری نباشد؟! هرچند که اگر بخشی از دختران در اعتراض به حجاب در چنین سیرکی شرکت کنند خدمت به ارتجاع اسلامی است.

قطعا این تصویر برای بخشی از حکومت که همان اصلاح طلبان هستند مطلوب است چرا که هم میخواهند بازار مذهبشان ولوظاھری هم که شده رونق داشته باشد و هم مسئله مبارزه علیه آپارتاید جنسی و کلیت حکومت هار اسلامی را به روسری خلاصه کنند.

اصلاح طلبان نمیتوانند باور کنند زنانی که روسری های خود را در جریان خیزش انقلابی شهریور ۱۴۰۱ به آتش کشیدند خواهان تخته

راههای ارتباط با حزب حکمتیست

برای ارسال خبر، فیلم و گزارش و تماس با حزب حکمتیست از طریق واتساپ و تلگرام و تماس مستقیم با این شمارهها تماس بگیرید.



صالح سرداری ۰۰۴۹۱۷۶۶۳۴۶۱۹۴۲
پروین کابلی ۰۰۴۶۷۰۷۷۴۴۰۲۰
رحمان حسین زاده ۰۰۴۶۷۳۹۲۲۵۹۶۹
ملکه عزتی ۰۰۴۷۴۱۲۶۰۴۹۷

www.hekmatist.org

حزب کمونیست ایران - حکمتیست
Worker Communist Party of Iran - Hekmatist

زنده باد شوراها!

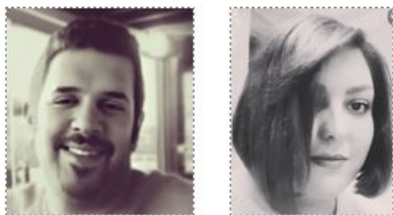
ارگانهای اعمال اراده مستقیم توده ای و کارگری را همه جا ایجاد کنید!

در کارخانه ها و محلات

شوراها را برپا کنید!

امروز شورا ارگان مبارزه و قیام

و فردا ارگان حاکمیت!



اخبار مبارزات کارگری و اعتراضات اجتماعی

تهیه و تنظیم: سپیده امیرعسگری و آرش کلهر

۶۸ کارگر پیمانکاری مخابرات خوزستان که بیش از دو سال است که از کار اخراج شده‌اند، خواهان بازگشت به سر کار شدند. این کارگران از نامه الزام‌آور استانداری به کارفرمای مخابرات برای بازگشت به کار خود خبر دادند و گفتند: "در کنار رأی بازگشت به کاری که از هیأت‌های تشخیص و حل اختلاف و همچنین دیوان عدالت اداری گرفته‌ایم، سه نامه نیز از طرف فرمانداری، استانداری و شورای تأمین برای کارفرمای مخابرات ارسال شده است." اما کارفرمای مخابرات خوزستان کارگران را به مدیریت مخابرات کل در تهران ارجاع داده و اجرای این احکام را منوط به اجازه آن‌ها کرده است. کارگران برای دیدار با مدیریت مخابرات به تهران رفتند اما موفق به ملاقات با مسئولان مخابرات تهران نشدند. دادستانی استان خوزستان هم در این زمینه اقدامی نکرده است. این کارگران دو دوره بدون قرارداد برای شرکت پیمانکار مخابرات کار کردند که با استناد قانون کار برای تبدیل قرارداد خود از موقت به دائم، شکایت تنظیم کردند و به نفع خود رأی گرفتند. مجلس شورای اسلامی وعده کرده بود طرح تبدیل قراردادهای موقت و پیمانی به دائم را تصویب کند. بررسی این طرح طولانی شد و با دستکاری نمایندگان مجلس، تنها گروهی از کارگران را در برگرفت.

اعتراض کارگران کاغذ دیبای شوستر

گروهی از کارگران صنایع خمیر و کاغذ دیبای شوستر به پرداخت نشدن حقوق معوقه خود اعتراض کردند. خواسته اصلی کارگران که از هفته گذشته در اعتراض به سر می‌برند، پرداخت حقوق معوقه و حق بیمه تأمین اجتماعی و سایر مطالبات صنفی است. این کارگران در دی ماه سال گذشته هم با برگزاری چند تجمع درخواست بازگشایی کارخانه و پرداخت حقوق معوقشان را کرده بودند. حال کارخانه فعالیت خود را از سر گرفته است ولی حقوق کارگران همچنان پرداخت نمی‌شود. کارگران معترض گفته‌اند که علاوه بر معوق شدن حقوقشان، مدیران کارخانه بیمه درمانی آن‌ها را هم پرداخت نکرده‌اند و به همین دلیل بیمه سلامت آن‌ها هم قطع شده است.

شرکت ماموت ۲۰۰۰ تن از کارگران خود را اخراج کرد

روز ۲۰ تیر شرکت ماموت از ۵ هزار کارگر خود ۲۰۰۰ نفر را اخراج کرد. در این شرکت که تعطیلات تابستانی از روز ۲۱ تیر شروع می‌گردد، تنها شیفت یک از صبح در شرکت حاضر بودند. پس از پایان شیفت در بعدازظهر که کارگران عازم منزل بودند، از طریق پیامک و تلفن توسط کارگزینی به آن‌ها اطلاع داده شد که به علت تعدیل نیرو پس از پایان تعطیلات در محل کار حاضر نشوند. این دوهزار نفر از هر سه شیفت بودند و سابقه کار آن‌ها از یکسال الی شش سال بود.

اعتصاب رانندگان کامیون‌های شهرداری مشهد

رانندگان کامیون‌های شهرداری مشهد در اعتراض به عدم دریافت حقوق و تحقق مطالبات مزدی با پارک کردن ماشین‌های خود در میدان نمایشگاه این شهر، دست به اعتصاب زدند.

ادامه اعتصاب کارگران پیمانی صنایع نفت و گاز

اعتصاب گسترده کارگران پیمانی صنایع نفت و گاز امروز پنجشنبه ۲۸ تیرماه وارد ۲۹ مین روز خود شد. در این اعتصاب حدود ۲۴ هزار کارگر شاغل در پالایشگاه‌ها، نیروگاه‌ها و پتروشیمی‌ها شرکت دارند. کارگران خواهان حذف پیمانکاران از عرصه‌های نفت و گاز و نیروگاهی، اجرای روال ۱۴ روز کار ۱۴ روز مرخصی و افزایش دستمزدها هستند. تاکنون برخی از پیمانکاران با هدف اعتصاب شکنی تعدادی از کارگران را اخراج کردند و برخی دیگر از توافق با خواسته‌های کارگران سخن گفته‌اند.

اعتراض کارگران نیروگاه شیرکوه یزد

کارگران نیروگاه شیرکوه یزد به شرایط کار و معوقات خود اعتراض دارند. یکی از کارگران گفت: ۱۲۰ کارگر اینجا کار می‌کنند. متأسفانه هر وقت که کارفرما دلشان بخواهد حقوق پرداخت می‌کنند. بالای ۳ سال هست که حتی لباس کار نمی‌دهند. دل پر دردی داریم چند بار هم اداره کار رفتیم گفتند شکایت کنید. شکایت هم کنیم ما را اخراج می‌کنند. پاداش آخرسال را ندادند و از طرفی جمعه کاری هم اصلاً پرداخت نمی‌کنند، حق شیفت ۱۲ ساعتی به مدت یک سال هم پرداخت نشده، جوابشان این است "هر وقت از این شرکت رفتید، شکایت کنید".

کارگران شرکتی پتروشیمی چوار ایلام

قراردادهای مختلف یعنی دست کارفرما باز است تا با هر روشی دستمزد و مزایای کمتری از همان حد مصوب به کارگران پرداخت کند. کارگران شرکتی پتروشیمی چوار ایلام بصورت روزمزد کار می‌کنند و از هر نوع مزایای مزدی و طبقه بندی مشاغل محرومند.

تجمع اعتراضی کارگران پتروشیمی چابهار

کارگران پتروشیمی شرکت سینا در چابهار به دلیل عدم دریافت چهار ماه معوقات مزدی تجمع اعتراضی برگزار کرده و خواستار دریافت حقوق خود شدند.

تجمع کارگران رسمی وزارت نفت بهره برداری نفت و گاز آغاچاری

اهم مطالبات: - برکناری مسئولین نالایق، - حذف سقف حقوق، - حذف محدودیت حق سنوات بازنشستگی، - اجرای کامل ماده ۱۰، - پرداخت یک-پی ماده ۱۰، - عدم تفکیک ۳ گانه‌ی مشاغل عملیاتی، - بازنگري اساسنامه‌ی تحمیلی صندوق بازنشستگی و دیگر موارد مربوط به مزایا.

کارگران اخراجی مخابرات خوزستان خواهان بازگشت به کار شدند

اخبار مبارزات کارگری و اعتراضات اجتماعی...

اعتراض به فعالیت معادن سنگ تراورتن در منطقه حفاظت شده کرکس

صبح روز بیستم تیرماه، زهره دادرسی، فعال حقوق زنان بدون احضار و اطلاع قبلی با هجوم ماموران امنیتی به خانه‌اش بازداشت شد. همچنین زهرا دادرسی نیز پس از حضور در شعبه‌ی اجرای احکام، بازداشت و به زندان لاکان رشت منتقل شد. همزمان با این بازداشت‌ها، طی تماس‌های تلفنی، به فروغ سمیع‌نیا، جلوه جواهری، متین یزدانی، یاسمین حشدری، نگین رضایی، آزاده چاوشیان، سارا جهانی و هومن طاهری نیز اعلام شده است که جهت اجرای حکم، خود را تا شنبه به زندان لاکان رشت معرفی کنند. پیش‌تر در خردادماه ۱۴۰۳ حکم بیش از ۶۰ سال زندان این ده تن در دادگاه تجدیدنظر گیلان تایید شده بود.

فعالیت های معادن سنگ های ساختمانی چند دهه است که در کوهستان های شهرستان نطنز به ویژه در منطقه کرکس کوه بدون توجه به قوانین محیط زیستی در حال انجام است. مشکل آلودگی محیط زیستی از جمله هوا، صدا، خاک و آب از تبعات این گونه فعالیت‌های تخریب گر است. گرد و غبار حاصل از برش سنگ اثرات ناگواری را نیز بر زمینهای کشاورزی و باغات اطراف گذاشته و سلامت حال و آینده همه زیست‌مندان در معرض خطر این گونه فعالیت های تخریبگر قرار گرفته است.

۹ ماه معوقات مزدی ماموران مبارزه با مالاریا در چابهار

چهل نفر از ماموران مبارزه با مالاریا در چابهار که وظیفه‌ی سمپاشی خانه به خانه برای مقابله با پشه مالاریا را بر عهده دارند، به دلیل عدم پرداخت حقوق ۹ ماهه خود دست به اعتراض زدند. یک منبع مطلع گفت: ما از برج ۸ سال گذشته تا الان نزدیک به ۹ ماه است که حقوق دریافت نکرده‌ایم و هیچ کس پاسخگوی مطالبات ما نیست. مجبور شدیم برای احقاق حقوق خود دست به اعتراض بزنیم، اما با تهدید به اخراج توسط مسئولین دانشگاه علوم پزشکی چابهار روبرو شدیم.

تداوم سرکوب فعالین صنفی با بازداشت ها و احضارها

دادگاه کدایی ممسنی، شکراله احمدی سخنگوی هیئت مدیره انجمن صنفی معلمان فارس، علی احمدی، جان محمد احمدی و روح الله گره گشا را برای دفاع از اتهام اجتماع و تبانی برای ارتکاب جرم بر ضد امنیت داخلی و خارجی فراخواند. شعبه دوم دادرسی از متهمین این پرونده خواسته است ظرف ۵ روز از تاریخ ابلاغ در دادگاه حاضر شوند. در دیماه ۱۴۰۲ در پی برگزاری تجمع اعتراضی این فعالین با قرار بازداشت یکماهه بازداشت شده و در نهایت با قرار وثیقه آزاد شدند.

بازداشت اسماعیل معروفی از معلمان بازنشسته

اسماعیل معروفی از معلمان بازنشسته آموزش و پرورش شهرستان پیرانشهر با ۳۰ سال سابقه فعالیت، با توسل به خشونت توسط نهادهای امنیتی بازداشت شد.

تجمع اعتراضی بازنشستگان تأمین اجتماعی

روز یکشنبه ۲۴ تیرماه ۱۴۰۳، جمعی از بازنشستگان تأمین اجتماعی اهواز، شوش و کرمانشاه مجدداً و در اعتراض به وضعیت بد معیشتی و عدم تحقق خواسته‌هایشان دست به تجمع زدند.

تجمع اعتراضی بازنشستگان صنایع فولاد

روز یکشنبه ۲۴ تیرماه ۱۴۰۳ بازنشستگان صنایع فولاد اصفهان، خوزستان و تهران در اعتراض به وضعیت نامناسب معیشتی و عدم رسیدگی به خواسته‌هایشان مجدداً مقابل ساختمان صندوق بازنشستگی فولاد این شهرها دست به تجمع زدند.

بازداشت و احضار فعالان حقوق زنان و فعالان مدنی گیلان

محکومیت زرتشت احمدی راغب به حبس و تبعید

طبق اخبار منتشر شده، شعبه یک دادگاه انقلاب اسلامی کرج، زرتشت احمدی راغب، فعال مدنی محبوس در زندان قزلحصار، را به اتهام تبلیغ علیه نظام به یک سال حبس و دو سال تبعید به شهرستان قیدار در استان زنجان محکوم کرده است. این حکم از سوی قاضی موسی آصف‌الحسینی صادر، و روز سه‌شنبه ۱۹ تیر به آقای احمدی‌راغب ابلاغ شده است. زرتشت احمدی راغب، روز ۱۶ اسفند ۱۴۰۱ در حالی که قصد داشت در تجمع اعتراضی معلمان به مسمومیت‌های سریالی دانش‌آموزان حضور یابد، با ضرب و شتم بازداشت شد. مصداق اتهام وارد شده علیه زرتشت احمدی راغب به فایلی صوتی متعلق به ۱۵ شهریور سال گذشته مربوط می‌شود که در آن درباره انتقال ۱۶ زندانی سیاسی از زندان اوین به زندان قزلحصار در شرایطی فوق‌العاده غیرانسانی خبر داده بود. زرتشت احمدی راغب، پس از تحریم انتخابات اخیر هم از سوی مسئولان زندان قزلحصار به سلول انفرادی تنبیهی منتقل شده بود. زرتشت احمدی راغب از جمله زندانیان سیاسی محبوس در زندان قزلحصار است که در بهمن سال گذشته به کارزار اعتراضی «سه‌شنبه‌های نه به اعدام پیوستند». این کارزار اینک به زندان‌های دیگر گسترش یافته و تاکنون بیست و چهار سه‌شنبه به صورت پیاپی در اعتصاب بوده‌اند.

اخراج و بلاتکلیفی زینب کشوری معلم باسابقه خوزستان

زینب کشوری کارشناس ارشد علوم تربیتی با ۱۸ سال سابقه تدریس در آموزش و پرورش استان خوزستان، از سال ۹۶ به دستور وزارت اطلاعات اخراج شده است و پیگیری های مستمر خانم کشوری تاکنون حاصلی نداشته است. بر اساس اسناد موجود، هیئت عالی گزینش و دیوان عدالت اداری، علت اخراج این معلم را استناد به نامه‌ی وزارت اطلاعات اعلام کرده‌اند. این معلم خوزستانی همچنین در سال ۹۶ به اتهام تبلیغ علیه نظام به ۸ ماه زندان محکوم شد که حکم ایشان در نهایت به جریمه‌ی نقدی ۵ میلیون تومانی بدل از حبس تبدیل شد.

بیانیه کلکتیو سندیکایی فرانسه در اعتراض به حکم اعدام شریفه محمدی

به ایران: از اعدام شریفه محمدی مدافع حقوق شهروندی و کارگری جلوگیری کنیم!

در ۴ ژوئیه، شریفه محمدی به اعدام محکوم شد. تنها «جرم» او دفاع از حقوق شهروندی و هم چنین کمک برای ایجاد تشکل های کارگری مستقل از حکومت حدود ده سال پیش بوده است. شریفه محمدی از ۵ دسامبر ۲۰۲۳ پشت میله های زندان است، از آن زمان او مورد بدرفتاری های متعدد قرار گرفته است:

اخبار مبارزات کارگری و اعتراضات اجتماعی...

ویژگی انتخابات دومرحله‌ای اخیر عدم مشارکت بالا بود. شهروندان ایرانی با عدم شرکت در رای‌گیری، بر انتخابات ریاست جمهوری که مضحک‌ه‌ی واقعی بود، خط بطلان کشیدند. مبارزه‌ی زنان و مردان ایران در جریان جنبش "زن، زندگی، آزادی" و سطح پایین مشارکت در این رای‌گیری، نشان‌دهنده‌ی خواست آن‌ها برای ایجاد تغییرات بنیادی در کشور است. صدور حکم اعدام برای یک فعال کارگری و مدنی، بیان‌گر ضعف، شکاف و ظهور علایم بی‌ثباتی در رژیم جمهوری اسلامی است. هدف از صدور این حکم، ایجاد وحشت در میان جامعه‌ی مدنی و مخالفان سیاسی و وادارکردن مردم به تمکین، با توسل به قهر و خشونت است. طبق برآوردها در سال ۲۰۲۳ حکم اعدام ۸۴۴ نفر در ایران به‌اجرا گذاشته شد. با اطمینان می‌توان گفت که تعداد واقعی بیشتر از این است. رژیم می‌کوشد از طریق تشکل‌های زرد کارگری، نیروی کار در ایران را تحت کنترل قرار دهد و سرکوب کند. با وجود این طبق گزارش‌ها در همان سال صدها اعتراض و ۳۲ اعتصاب کارگری به‌وقوع پیوست.

ده‌ها نفر از فعالین کارگری در زندان به‌سر می‌برند و بسیاری دیگر از آن‌ها به‌همراه خانواده از ترس انتقام‌گیری، آزار و اذیت و خشونت، مجبور به ترک کشور و زندگی در تبعید شده‌اند. حکم اعدام "شریفه محمدی" و سایر زندانیان سیاسی و معترضان شرکت‌کننده در خیزش مردمی باید فوراً و بدون قید و شرط لغو شود. مبارزه برای لغو این حکم و آزادی "شریفه محمدی" و دیگر زندانیان سیاسی، کارگری و مدنی، عرصه‌ی مهم و تعیین‌کننده در مبارزه‌ی کارگران ایران برای ایجاد تغییر در کشور و دستیابی به جامعه‌ی آزاد، عدالت محور و شکوفا است. نرگس محمدی، برنده‌ی جایزه صلح نوبل، اواخر نوامبر سال گذشته در نامه‌ی سرگشاده از زندان اوین، به نقل از گرامشی نوشت: "بی‌تفاوتی وزن مرده‌ی تاریخ است". ما باید با قدرت علیه سرکوب واکنش نشان دهیم: ما خواهان اقدام عملی سراسری در سطح بین‌المللی برای لغو فوری حکم اعدام برای "شریفه محمدی" و آزادی بلافاصله‌ی او از زندان هستیم. ما در ظرفیت کنفدراسیون عمومی کار ایتالیا طی ماه‌های آینده همراه با دیگر تشکل‌های بین‌المللی، صدای جنبش "زن، زندگی، آزادی" را هم‌چنان تقویت خواهیم کرد و همدلی و همبستگی خود را با همه‌ی آن‌هایی که در ایران با پذیرش خطر مرگ برای دموکراسی، حقوق بشر و حقوق سندیکایی مبارزه می‌کنند، نشان خواهیم داد.

سالواتور مارا

مسئول سیاست بین‌المللی کنفدراسیون عمومی کار ایتالیا

جمعه ۲۲ تیر ۱۴۰۳

اعتراض پلاتفرم سندیکاهای کارگری سوئد، ایران به حکم اعدام شریفه محمدی

حکم اعدام شریفه محمدی شمشیر کشیدن جمهوری اسلامی علیه همه تشکل‌های مستقل صنفی است. اعدام شریفه یکی از صدها حکم قضایی است که در همین یک ماه اخیر علیه فعالین صنفی و مدنی صادر شده است. آنچه حکم اعدام شریفه را متمایز می‌کند سوی ماهیت ضد حقوق بشری چنین احکام قرون وسطایی، شمشیر کشیدن جمهوری اسلامی علیه همه تشکل‌های مستقل صنفی است. جمهوری اسلامی شورای هماهنگی تشکل‌های صنفی معلمان را

صفحه ۱۳

- حبس چندین ماهه در سلول انفرادی - محرومیت از ملاقات خانواده و به ویژه فرزند خردسالش - ممانعت طولانی مدت از ارتباط تلفنی با عزیزانش. در پی شکایتی که او سرانجام موفق به ارائه آن شد، اکنون مشخص شده است که او در چندین نوبت به شدت شکنجه شده است.

از مسئولان کشور ایران می‌خواهیم: - ابطال حکم اعدام شریفه محمدی، - آزادی فوری و ختم پیگرد علیه وی، - توقف استفاده از شکنجه، - لغو حکم اعدام، - آزادی همه زندانیان عقیدتی.

پاریس، ۱۲ ژوئیه ۲۰۲۴

کنفدراسیون دموکراتیک فرانسوی کار (س. اف. د. ت.): CFDT - کنفدراسیون عمومی کار (س. ژ. ت.): CGT - کنفدراسیون متحده سندیکایی (اف. اس. او): FSU - اتحاد سندیکایی همبستگی (سولیدر): Solidaires - اتحاد ملی سندیکاهای مستقل (او. ان. اس. آ): UNSA

کنفدراسیون عمومی کار در ایتالیا:

حکم اعدام "شریفه محمدی"، باید فوراً لغو شود.

کنفدراسیون عمومی کار ایتالیا CGIL بزرگ‌ترین تشکل کارگری این کشور با بیش از ۵,۵ میلیون عضو با انتشار بیانیه‌ای خواهان لغو فوری حکم اعدام برای "شریفه محمدی"، فعال کارگری و مدنی و آزادی فوری و بدون قید شرط او از زندان شد. ترجمه‌ی این بیانیه را در زیر می‌خوانید:

در چهارم ژوئیه، "شریفه محمدی"، فعال کارگری و مدنی و عضو سابق "کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل‌های کارگری" به‌اتهام قیام (مسلحانه)، به اعدام محکوم شد. صدور این حکم، فقط ناشی از رأی و عقیده‌ی یک قاضی ناشناس و مدافع کاربرد شیوه‌های بی‌رحمانه نیست، بلکه بخشی از اقدامات سیستماتیک و استراتژی ارگان‌های امنیتی برای گسترش ترس و وحشت در صفوف جنبش‌های اجتماعی با هدف به‌حاشیه‌راندن آن‌ها در تحولات سیاسی آینده در ایران است.

این حکم غیرمنتظره علیه یک فعال کارگری در مقطع حساس از حیات جمهوری اسلامی صادر شده است. بعد از مرگ رئیس جمهور سابق، ابراهیم رئیسی (که در شرایط بحث‌انگیزی اتفاق افتاد) انتخابات دومرحله‌ای ریاست جمهوری برگزار گردید که به انتخاب مسعود پزشکیان انجامید. رسانه‌های غرب به‌طور مداوم او را به‌عنوان عضوی از جناح خودخوانده‌ی "اصلاح‌طلب" معرفی می‌کنند. واقعیت اما چیز دیگری است. آشکارا می‌توان دید که این چهره‌پردازی به‌اصطلاح "جدید" از ماهیت قدرت در ایران، وسیله‌ای است در دست حکمرانان مذهبی تا در همان حال که سرکوب، خشونت، شکنجه و کشتار در کشور ادامه دارد، تصویری از ایران به‌ویژه در غرب بفروشند که وجود خارجی ندارد.

جنبش مجمع عمومی را گسترش دهیم!

اخبار مبارزات کارگری و اعتراضات

اجتماعی...

که بزرگترین سندیکای کارگری ایران است را بعنوان گروهک معرفی می کند یعنی فعالیت در آن را معادل فعالیت در یک گروه سیاسی مسلح میدانند و بصورت مداوم فعالین را تحت پیگرد قضایی قرار میدهد. علاوه بر پیگرد قضایی در ماههای اخیر به معیشت فعالین حمله برده و آنها را از محل کار اخراج می کند یا حقوق آنان را تقلیل می دهد یا به مکانهای دور دست منتقل می کند و از آنجاییکه قیام زینا با محوریت زنان بود به سختی با زنان مواجه می شود و حکم های بسیار سختگیرانه ای علیه آنان صادر می کند.

ژینا مدرس گرچی اهل کردستان از جمله این زنان است که در ماه گذشته حکم ۲۱ سال زندان علیه او صادر شده است. ۱۰ عضو تشکل بیدارزنی که برای حمایت از زنان فعالیت می کردند در مجموع به ۶۰ سال زندان محکوم شده اند و همین روز گذشته بدون اینکه حکم مراحل اداری را طی کرده باشد به منزل زهره دادرسی هجوم برده و او را به شیوه ای وحشیانه دستگیر کرده و روانه زندان کرده اند. همچنین زهرا دادرسی دیگر عضو این تشکل نیز پس از حضور در شعبه ای اجرای احکام، بازداشت و به زندان لاکان رشت منتقل شد. همزمان با این بازداشتها، طی تماس های تلفنی، به فروغ سمیع نیا، جلوه جواهری، متینیزدانی، یاسمین حشدری، نگین رضایی، آزاده چاوشیان، سارا جهانی و هومن طاهری نیز اعلام شده است که جهت اجرای حکم، خود را تا شنبه به زندان لاکان رشت معرفی کنند.

پلاتفرم سندیکاهای کارگری سوئد-ایران ضمن محکوم کردن حکم اعدام، آزادی بی قید و شرط شریفه محمدی این فعال کارگری به اتهام "بغی" محکوم به اعدام شده است، براین باور است که این گونه احکام در واقع بخشی از اقدام و استراتژی سیستماتیک نهاد های امنیتی رژیم جهت گسترش رعب و وحشت در صفوف جنبش های اجتماعی و به حاشیه راندن آنها در روند تحولات سیاسی در حال اوج گرفتن

(تحریم بیش از ۶۰ درصد رای دهندگان در روند انتخابات ریاست جمهوری اخیر) رشد مبارزات مدنی و سیاسی در جامعه است.

پلاتفرم سندیکاهای کارگری سوئد-ایران با همکاری با سایر اتحادیه های کارگری عضو کنفدراسیون جهانی سندیکاهای کارگری بویژه سندیکای کارگری ایتالیا CGIL، اتحادیه اروپا، سازمان عفو بین الملل، گزارشگر ویژه سازمان ملل در رابطه با وضعیت ویژه حقوق بشر تمام سعی خود را جهت بسیج این نهادهای بین المللی در محکوم کردن و جلوگیری از پیش برد این استراتژی سرکوبگرانه جمهوری اسلامی بکار خواهیم برد و خواستار:

۱- آزادی بلافاصله و بی قید و شرط شریفه محمدی و کلیه فعالین کارگری و سندیکای، معلمان، مدنی و سیاسی. ۲- لغو کلیه احکام اعدام. ۳- همکاری های سندیکاهی در ارسال نامه به سازمان جهانی کار و کنفدراسیون جهانی سندیکاهای کارگری جهت عکس العمل های سریع آن در جلوگیری از اجرای این احکام اعدام و آزادی کلیه

فعالین کارگری، معلمان و مدنی و سیاسی.

پلاتفرم سندیکاهای کارگری سوئد-ایران
استکهلم ۱۱ ژوئن ۲۰۲۴ - جمعه بیست و دوم تیرماه ۱۴۰۳

قتل ناموسی زنان لکه ننگی بر پیشانی جامعه است

اسلامی و جارو کردن فرهنگ و قوانین منحن اسلامی از زندگی روزمره مردم و جاری کردن قوانین مدرن وانسانی اولین قدم در راه رفع ستم و خشونت علیه زنان است. جامعه ایران بیش از همیشه به خیزشهایی همچون، خیزش انقلابی زینا برای به گور سپردن حکومت نکبت اسلامی و بنا نهادن جامعه ای عاری از ستم و تبعیض و نابرابری احتیاج دارد.

۲۸ ژوئیه ۲۰۲۴

منصور حکمت را بخوانید

و به دیگران معرفی کنید!

<http://hekmat.public-archive.net>

www.hekmat.com



PARLOW TV
تلویزیون پرتو
رسانه تصویری حزب حکمتیست
رسانه ای برای یک دنیای بهتر

برنامه های تلویزیون پرتو، رسانه حزب کمونیست کارگری-حکمتیست
را بطور زنده از طریق کانال اینترنتی شورایی دنبال کنید و به
کارگران و دوستانتان معرفی کنید. آدرس خط زنده:
<https://alternative-shorai.tv>

ماهواره: یاه ست، فرکانس: ۱۲۵۹۴، پولاریزاسیون: عمودی،
سیمبل ریت: ۲۷۵۰۰، اف ای سی: ۳/۲

ساعات پخش به وقت ایران:
هر روز از ساعت ۲۱:۳۰ تا ۲۲:۳۰
تکرار روز بعد در ساعت های: ۳:۳۰ تا ۴:۳۰، ۹:۳۰ تا ۱۰:۳۰، ۱۵:۳۰ تا ۱۶:۳۰

اعدام قتل عمد دولتی است!

ستون آخر،

قتل ناموسی زنان لکه ننگی
برپیشانی جامعه است

سعید یگانه

آدرسهای تماس با حزب کمونیست
کارگری - حکمتیست

دفتر مرکزی

پروین کابلی

daftaremarkzy@gmail.com

رئیس دفتر سیاسی

سیاوش دانشور

siavash_d@yahoo.com

دبیر اجرایی

سعید یگانه

saidyegane@gmail.com

دبیر کمیته مرکزی

ناصر مرادی

moradi.naser@gmail.com

دبیر کمیته سازمانده

ملکه عزتی

hosienzade.r@gmail.com

دبیر کمیته کردستان

صالح سرداری

sale.sardari@gmail.com

دبیر تشکیلات خارج

سعید آرمان

saeed_arman2002@yahoo.co.uk

برابر ازدواجهای اجبای وزیر بار نرفتن فرهنگ منحن مرد سالاری که ریشه در فرهنگ و سنن اسلامی دارد، افزایش یافته است.

زنان در جامعه سرمایه داری و در ایران تحت حاکمیت دولت مرتجع اسلامی اولین قربانیان خشونت و قتل هستند. قانون، عرف و عادات سنتی که در جامعه ایران هنوز ریشه دارد توسط جمهوری اسلامی با خشونت و اعمال زور تولید و به جامعه تحمیل می شود. علاوه بر شورش زنان بخصوص در خیزش انقلابی ۱۴۰۱ علیه آپارتاید جنسی حاکم و سنت پوسیده مردسالاری هنوز زنان قربانی خشونت دولتی و خانوادگی هستند.

زن ستیزی، خشونت علیه زنان چه در جامعه و چه در خانواده مختص جامعه امروز سرمایه داری نیست، اما در این نظام علاوه بر پیشرفتهای بشری و به رسمیت شناختن درجه ای از حقوق زنان همچنان جنایت علیه زنان رخ می دهد. در جوامعی مثل ایران، افغانستان و خاورمیانه به دلیل عملکرد سنت و فرهنگ مردسالانه خشونت علیه زنان به امر عادی این جوامع شده و دولتها با قوانین و فرهنگ حاکم عامل تشدید این جنایت هستند.

تا جایی که به جامعه ایران مربوط است، جمهوری نکبت اسلامی عامل اصلی همه بدبختی مردم چه فرهنگی و چه اقتصادی و مانع اصلی شکوفایی فرهنگی است. تنها راه خلاصی از این جهنم، سرنگونی جمهوری

صفحه ۱۳

در فاصله ۲۳ خرداد تا ۲۶ تیر دو زن در سنندج به دلایل ناموسی توسط همسرانشان به قتل رسیدند. روز ۲۳ خرداد نرمن پیرهمن دارای دو فرزند جلوی دفتر خانه این شهر با ۲۰ ضربه چاقو در ملاعام به طرز وحشتناکی به قتل رسیده است. شاهدان عینی گفته اند که این زن با شوهرش بر سر طلاق اختلاف داشته است. و روز ۲۳ تیر آیدا حیدریان ۳۰ ساله اهل سنندج توسط شوهرش با چاقو به قتل رسیده است.

قتل ناموسی زنان تنها مختص به شهرهای کردستان نیست، در سالهای گذشته جنایت در حق زنان از جانب شوهر و خانواده زنان از جمله پدر، برادران و اقوام چشمگیری داشته است. این یک تراژدی و فاجعه برای جامعه ما است. دولت جمهوری اسلامی که عامل اصلی این جنایات است از دادن آمار دقیق از این گونه جنایات خودداری می کند. با این وجود در یک تحقیق دانشگاهی عنوان شده که سالانه بین ۳۷۰ تا ۴۵۰ مورد قتل ناموسی در ایران صورت می گیرد. این در شرایطی است که بسیاری از قتلها در خانواده ها به دلیل ترس از آبروریزی رسانه ای نمی شوند.

خشونت و قتل ناموسی علیه زنان در خانواده ها به دست مردان بخصوص به بهانه "دفاع از ناموس" رخ می دهند که ازدواج های اجباری، کودک همسری، فقر اقتصادی و فرهنگ عقب افتاده و سنتی از جمله دلایل و زمینه ساز این گونه جنایات هستند. خشونت و قتل ناموسی زنان در خانواده در سالهای گذشته به دلیل بیداری زنان و با وجود اختناق فرهنگی در جامعه، مقاومت در

نشریه حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

سردبیر: سعید یگانه

saidyegane@gmail.com

هیئت تحریریه: سیاوش دانشور، رحمان حسین زاده، ملکه عزتی، پروین کابلی، ناصر مرادی، هلاله طاهری، سیوان کریمی

اگر برای کمونیست مقاله میفرستید:

سردبیر در انتشار ورد و تلخیص مقالات آزاد است. کمونیست هفتگی تنها مقالاتی را منتشر میکند که برای این نشریه تهیه شدند. مهلت دریافت مطلب برای انتشار تا عصر روز چهارشنبه و حداکثر تا ظهر روز پنجشنبه است.

هفتگی کمونیست

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

@hekmatis

Hekmatist.org

@hekmatis1917

@hekmatis pary

PARTOW TV

@patowtv

Thepartow TV

@PartowTV

@PartowTV

حزب حکمتیست در صفحات
اجتماعی

زنده باد سوسیالیسم!